

چیترا

باجیندرانات تاگور | مترجم: هومن بابک



۱۳۹۷



چیترا

نویسنده: رابیندرانات تاگور

مترجم: هومن بابک

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

«هرگونه اجرا از متن این نمایش‌نامه یا بخشی از آن در نمایش زنده، نمایش

عروسکی، نمایش تلویزیونی، فیلم، سریال، نمایش نامه خوانی، هنرهای اجرایی و

نرم افزارهای چند رسانه‌ای در گرو اجازه مکتوب مترجم است.



انتشارات علمی و فرهنگی

دائرة ركزى ۽ مركز پخش

خیابان نلسون ماندلا (۱۷) - رزاق حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

بلاک ۲۵؛ کد پستی: ۳۱۳ ۱۵۱۸۷۱؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۸۷۵

تلفون: ۰۸۸۷۷۴۵۶۹-۷۰ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

تلفن مرکز پخش: ۰۱۱-۶۶۵۷۲۸-۲۹. تلفن نس: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۵

www.elmifarahangi.ir info@elmifarahangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com

سرشماسی: ناگور، رابیندرانات، ۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م.
 Theore, K. S. Dranath

عنوان و نام پدیدآور: چیترا / نویسنده: رابیندرانات تاگور؛ مترجم: هومن پایک؛ ویراستار: ...

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۹۶

مشخصات ظاهری: هفتده، ۱۴۳ ص.

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۴۶۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: Chitra: A Play in One Act

موضوع: نمایشنامه هند — قرن ۲۰ م.

Indic Drama -- 20th Century : موضوع

شناسه افزوده: بابک، هومن، ۱۳۵۸ - مترجم

شناسه افزوده: خرازیان، حامد، ۱۳۵۹ - ، ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۲ ف / PK۱۷۲۲

رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۴۴۲۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۸۴۸۸۷

فهرست مطالب

پیش گفتار مترجم نه

بهره یجم: نمایش نامه چیترا

دیباچه ۳

نمایش نامه چیترا ۵

بهره دوم: مقالات

درباره چیترا (هومن بابک) ۴۷

نمایش نامه در ادبیات سنسکریت، در بازه ۴۰۰ تا ۱۱۰۰ پس از میلاد

(آرتور آنتونی مک داتل) ۵۵

ادبیات هند، یک بررسی کلی (دکتر سونیت کومار چاترجی) ۱۱۹

منابع ۱۴۳

پیش‌گفتار مترجم

چیترا از زیباترین نمایش‌نامه‌های راییندرانات تاگور است. او این نمایش‌نامه را براساس یکی از داستان‌های ماهابهارا نوشته و ماجرای عشق میان شاه‌دخت چیتراکادا و شاه‌زاده آرجونا را روایت کرده است. این عشق، نخست با ترفند و نیرنگ آغاز می‌شود و بار دراماتیک نمایش‌نامه، همه، بر دوش کسمکش، درونی پیرامون این ترفند و نیرنگ است. تاگور چیترا را با شعر نوشته است و این نمایش‌نامه از مهم‌ترین چامه‌نمایش‌نامه‌های ادبیات مدرن هند به شمار می‌آید.

در هند پیوندی ناگسستنی بین نمایش، شعر و رقص وجود دارد. ساختار این هنرها به شکلی در هم تنیده که جداکردنشان تقریباً ناممکن است. بیشتر نمایش‌نامه‌های هندی یا زبان شعر دارند یا برگرفته از متونی هستند که به شعر نوشته شده‌اند.

پژوهشگران علم بدیع در ادبیات سنسکریت، کاویا یا شعر را بر دو گونه می‌دانند. نخست کاویایی که دریشیا است، یعنی «آنچه می‌توان دید»؛ و دوم کاویایی که شرایا است؛ یعنی «آنچه می‌توان

شنید». در نمایش، دریشیا بر شر او یا برتری دارد؛ زیرا توانایی اش برای انتقال حس لذت و سرور، دوبرابر است. از این دیدگاه، قدرت ادبیات و هر آنچه شنیدنی است، در انتقال حس لذت، کمتر از دریشیا است. در نتیجه، در فلسفه زیبایی شناسی هندی، نمایش را بهترین شکل ادبیات می دانند.

در حقیقت، تعریف نمایش سنسکریت، تعریفی بر پایه شعر است نه مستقل از آن؛ و همان طور که اشاره شد، نمایش بهترین شکل اجرای شعر است با هدف آفرینش حس لذت در مخاطب.

زیبایی شناسی هندی در هنرهای اجرایی بر نظریه ای استوار است به نام راسا. در هند باستان، انتقال احساس و در نهایت ایجاد لذت در مخاطبان، از روح ساخت و پرداخت نمایش بود و فراگرد دست یابی به لذت و انتقال آن در هنری به مخاطبان و گرفتن بازخورد آن از سوی هنرمند را راسا می نامیدند. راسا با دیدگاه غربی درباره هنرهای اجرایی از بنیان متفاوت است. این تفاوت را می توان با مقایسه فلسفه درام یونانی و فلسفه نمایش سنسکریت به روشنی احساس کرد. قلب تپنده تراژدی یونانی «طرح» نبرد، بلکه نوعی ویژه از داستان گویی یا «آگون» بود. برای تشخیص برنده از بازنده، داوران (و کسانی که داوران را داوری می کردند، یعنی تماشاچیان) به دقت می دیدند و دیدگاهشان را بر ارزش های عینی بنیان می نهادند. هدف از نمایش، هم در نمایش نامه و هم در رقابت های میان بازیگران و شاعران، نمایاندن برنده و بازنده بود. ولی هدف اجرای راسایی بازیابی برنده از بازنده نیست بلکه پی گیری لذت است؛ همچون تدارک لذت در میهمانی ای بی پایان یا چیزی شبیه به اوج سرور در ک الوهیت از سوی یک یوگی، ولی نه در آن سطوح. تفاوت این شکل دریافت به سطح اندیشه و دیدگاه مخاطب و حرفه ای بودن او در دریافت تجربه زیبایی شناختی بستگی داشت. رویداد اجرای راسایی بیشتر به حضور در جشن یا ضیافت می ماند تا حضور در صحن دادگاه

برای داوری کردن. به همین دلیل است که شاید اجرای صحنه‌ای نمایش نامه‌های سنسکریت و حتی نمایش نامه‌های هندی مدرن‌تر بر اساس نظام راسایی، بهتر و زیباتر جلوه کند.

رایبندرانات تاگور در چیترا اوج هنرمندی خود را در ساخت و پرداخت اثر به کار گرفته است. چیترا پیش از آن که یک نمایش نامه باشد، چامه‌ای است که از دل تاگور جوشیده و برای بیان احساسات و تأثیر بیشتر، واسطه‌ای به نام نمایش نامه را برگزیده است. تاگور در نوشتن این اثر، همچنین در ترجمه آن به زبان انگلیسی، سیوه اجرای راسایی را در نظر داشته است و همان‌طور که اشاره شد، بهتر آن است که برای اجرای صحنه‌ای آن نیز نظام اجرای راسایی را برگزینیم. گرچه همیشه قدرت خلاقیت و آفرینشگری کارگردانان و بازیگران می‌بایست برای بدیع و نوپدید آورد.

چیترا نخستین بار به زبان انگلیسی نوشته شد و خود تاگور در سال ۱۹۱۳ آن را به زبان انگلیسی برگرداند. نسخه بنگالی اثر، سرشار از جوشش‌های شعری و باریکی‌های زبانی و کنایه‌ها و استعاره‌هایی است که به دلیل نارسایی زبان انگلیسی، در نسخه انگلیسی چیترا حذف شده‌اند. با این حال، نسخه انگلیسی نیز، چه به لحاظ بازی‌های زبانی و شعری، چه از نظر بار دراماتیک، اثری بسیار تأثیرگذار است. توصیفات تاگور از طبیعت در چیترا بی‌همتاست؛ کنش‌ها و واکنش‌های دراماتیک نیز بی‌نظیرند.

پس از این پیش‌گفتار کوتاه، در بهره نخست کتاب، نمایش نامه چیترا را می‌خوانید. تاگور نخست پی‌رنگ داستان را شرح می‌دهد و پس از آن شخصیت‌ها را معرفی می‌کند. چیترا در یک پرده و نه صحنه نوشته شده است.

بهره دوم کتاب دربرگیرنده سه مقاله است. نخستین مقاله «درباره چیترا» نام دارد که در آن نمایش نامه را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی می‌کنیم. نخست بستر تاریخی‌ای را که تاگور در آن چیترا

را نوشته است می‌کاویم. سپس سرچشمه داستانی چیترای تاگور را در متن اصلی ماه‌بهاراتامی جوییم. بعد نمایش را تحلیل می‌کنیم و تفاوت‌هایش را با متن داستان اصلی برمی‌شمیریم و در پایان، شخصیت‌های نمایش را معرفی و تبارشناسی خواهیم کرد.

دومین مقاله با نام «نمایش‌نامه در ادبیات سنسکریت» در حقیقت بخش سیزدهم از کتاب سترگ تاریخ ادبیات سنسکریت نوشته آر.تر آتونی مک‌دائل است که نمایش‌نامه‌های مشهور سنسکریت را در بازه سال‌های ۴۰۰ تا ۱۱۰۰ پس از میلاد بررسی و تحلیل کرده است.

آخرین مقاله با نام «ادبیات هندی - یک بررسی کلی» نوشته دکتر سونیل مار چاترجی، زبان‌شناس شهیر هندی، است. این مقاله ساختار ادبیات هندی را بررسی می‌کند.

در نمایش‌نامه‌ارنشاه‌های سجاوندی پرشمار بهره گرفته‌ایم. همچنین رسم‌الخط متن نمایش‌نامه اندکی با رسم‌الخط دیگر بخش‌های کتاب تفاوت دارد. این روند را برای خوانش بهتر نمایش‌نامه در پیش گرفتیم.

اما درباره ضبط فارسی واژگان سنسکریت: مترجم بهتر دید به اعتبار رعایت یکدستی در ضبط آن‌ها، همه همخوان‌ها (صامت‌ها) را به‌طور کامل، مطابق با ضبط لاتین، در ضبط فارسی هم قید کند. بنابراین هم همخوان h و هم تکرار همخوان در ضبط فارسی حفظ و اعمال شده‌اند؛ برای مثال، Jagannatha به صورت «جاگان‌ها» ثبت شده است. در پیش گرفتن این روش، نتیجه ملفوظ (و نه تلفوظ) در نظر گرفتن h در بسیاری از واژگان سنسکریت است؛ اگرچه برای فن پوشیده نیست که جنس تلفظ این حرف در سنسکریت کاملاً با تلفظ همخوان «ه» در زبان فارسی متفاوت است؛ ولی در هر حال ممکن است حضور یا فقدان آن، در اصل سنسکریت، تغییر معنایی پدید بیاورد و در خواندن و دهاها نیز همواره به تلفظ درست واژگان،

سفارش اکید شده است. در واقع مهم ترین سودمندی این روش، همان گونه که ذکر شد، آن است که امکان رعایت یکدستی در ضبط فارسی واژگان سنسکریت را فراهم می کند که البته، در آغاز، فرایند خواندن را کمی دشوار خواهد کرد؛ ولی با کمی آشنایی با تلفظ سنسکریت، مشخص می شود که حفظ این همخوان ها، به مخاطب در روند خواندن متن، بدون مراجعه به ضبط لاتین، یاری خواهد رساند و دقت متن را افزایش خواهد داد.

ویرایش متن این نمایش نامه و مقالات مربوط به آن و همچنین پیشنهاد برخی واژگان را دوست ارجمند و فرهیخته ام جناب آقای حامد ماتن بر عهده داشته اند. از ایشان سپاسگزارم.